

بهروزی و کامیابی در سایه

همت مضاعف و کار مضاعف

سید محمود طاهری

اهمیت سلامت، بس است که: «عقل

سالم در بدن سالم است.»

بزرگان پیشین سلامتی جسمانی را مصداقی از خوشبختی دانسته، با وجود سلامتی، بخشی از خوشبختی را برای انسان، حاصل می‌دانستند. از نگاه ارسطو: «سعادت، مجموعه شرایطی است از راحت جسم و تندرستی و سلامتی روحی.»^(۱) بیدل دهلوی نیز سلامتی را بدان شرط که شخص، استخوان خود را (وجود خود را) بر جاه و مقام (برهما) عرضه نکند، مصداقی از سعادت انسان می‌داند:

اشاره

در شماره پیشین علاوه بر بحث درباره همت، مطالبی را در باب کار و تلاش عنوان کردیم و اکنون ادامه آن را پی می‌گیریم.

کار و تأمین سلامتی

سلامتی و تندرستی، نعمت بزرگ خدا، و شرط چشیدن لذتهای زندگی است. نبود سلامتی، هم زندگی را به کام انسان ناگوار می‌کند و هم در اندیشه انسان، اختلال ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تا انسان در راه رسیدن به اهداف و آرزوها با موانعی جدی روبه‌رو شود. این سخن پیشینیان در

۱. نقد بیدل، صلاح الدین سلجوقی، تهران، عرفان، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵.

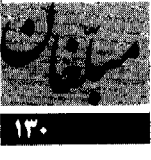
سلامت آینده‌دار سعادت است به شرطی که استخوان کسی در ره هُما نشیند^(۱) از این رهگذر، به یکی از علل اهمیت کار در زندگی انسان پی می‌بریم و آن «نقش‌آفرینی کار در تأمین سلامت انسان» است. بی‌گمان برای آنان که خواهان بدنی سالم هستند، کار و تحرک و فعالیت، در حکم نسخه‌ای شفابخش خواهد بود؛ چنانچه حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ يَعْمَلْ يَزِدَّ قُوَّةً، وَمَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدَّ فَتْرَةً»^(۲) هرکس کار کند نیرویش افزون‌تر می‌شود، و هر که در کار کردن کوتاهی کند، سستی او افزایش می‌یابد. «ویل دورانت می‌نویسد: «تندرستی در کار کردن است، و از این‌روی به انسان، لطف و زیندگی می‌بخشد. سرّ لطف و زیندگی در کار کردن است، و اشتغال نیمی از رمز خرسندی و خشنودی است. از خدا مال و منال نخواهیم؛ بلکه توفیق کار و عمل بخواهیم.»^(۳)

نویسنده و اندیشمند معاصر، «کیم - وو - چونگ» در این باره می‌نویسد: «اگر کسی از من سؤال کند که رمز سلامتی شما چیست؟ جواب می‌دهم: سخت‌کوشی، کار و تلاش. بدیهی است، جسم سالم در سلامت روح و روان، بسیار مؤثر است، و از این طریق در بروز ارزشهای انسانی نیز تأثیرگذار است، و کار و فعالیت، تضمین‌کننده سلامت جسم است. من در جوانی، گاهی برای فروش روزنامه ۱۰ کیلومتر پیاده راه می‌رفتم. شاید این راه‌پیمایی‌های طولانی، اساس محکم سلامتی مرا پی‌ریزی کرد. به نظر من کم‌ترین کاری که ما روزانه می‌توانیم انجام دهیم، پیاده‌روی است؛ و امروزه نیز نقش پیاده‌روی در کسب سلامت جسمی، غیر قابل انکار است. من بیشتر وقتها وقتی افراد زیادی را در باشگاه بدنسازی می‌بینم، فکر می‌کنم این اشخاص، وقت خود را در اینجا به این دلیل هدر می‌دهند، که جای دیگری برای عرق ریختن ندارند. من هنوز هم نمی‌فهمم چرا افراد برای سلامتی و پرورش اندام خود، این اندازه پول

۱. همان.

۲. الحیاء، محمدرضا، محمد و علی حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۴۶.

۳. لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۵، ص ۶۰.



است؟ اگر تجارت است او عمل کرده، اگر زراعت و باغداری و درختکاری است او انجام داده، اگر حفر قنوات است انجام داده است؛ ولی در عین حال که همه این کارها را می‌کرد، زاهد بود. اتفاق می‌افتاد که می‌رفت در آن باغستانهای مدینه که مربوط به اهل کتاب و غیر مسلمانان بود و برای آنان کار می‌کرد، مزد می‌گرفت، و از آن، گندم و جو تهیه می‌کرد و تبدیل به آرد کرده نان می‌پخت، و در عین حال، وقتی که به محتاجی، مسکینی، یتیمی، اسیری برخورد می‌کردند، فوراً او را بر خودش مقدم می‌داشت.»^(۲)

کار درخور ذوق و علاقه

دستگاه آفرینش، افراد را با ذوق و استعدادهای ویژه‌ای آفریده است و یکی از رمزهای پیروزی و پیشرفت نیز آن است که انسان، کار و رشته‌ای را برگزیند که با ذوق و استعدادش همسو باشد. اساساً پاره‌ای از شکستها و ناکامیهای آدمی، نتیجه انحراف از این اصل مسلم است. چنین انسانهایی افزون

و وقت صرف می‌کنند؛ در حالی که اگر هر کدام به کاری مشغول باشند و دل به کاری بدهند، به سلامتی دلخواه خود خواهند رسید. تازه، در کنار آن به جای پرداخت هزینه، کسب درآمد نیز خواهند داشت.»^(۱)

کار به انگیزه تولید و خدمت

اگر کار به انگیزه تولید و خدمت به جامعه باشد، دگرگرایی در انجام چنین کاری تقویت می‌شود و کار، از انگیزه زراندوزی پیراسته شده، به انگیزه‌هایی چون ایثار و انفاق، آراسته می‌شود. در چنین کارهایی، انجام کار از جهت‌گیریهای صرف فردی بیرون آمده، سمت و سوی اجتماعی نیز پیدا می‌کند. به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری: «علی علیه السلام مردی بود که بیش از هر کسی وارد اجتماع می‌شد و فعالیت اجتماعی و تولید ثروت می‌کرد؛ ولی ثروت در کفش قرار نمی‌گرفت، ثروت را اندوخته و ذخیره نمی‌کرد. کدام کار تولیدی مشروع است که در آن زمان، وجود داشته و علی علیه السلام انجام نداده

۲. احیای تفکر اسلامی، شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۳، ص ۶۴.

۱. سنگفرش هر خیابان از طلاست، کیم - وو - چونگ، ترجمه: محمد سوری، تهران، سیمین، چاپ بیستم، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

بر آنکه فرصتهای زیادی را بیهوده از کف می دهند، هم از کارهای مطابق با ذوق و علاقه خویش - که می توانست منشأ رشد و پیشرفتهای چشمگیر برای آنان باشد - باز می مانند، و هم هر کدام به اندازه یک نفر، جا را برای کسانی تنگ می کنند که ذوق و استعداد آن کار را دارند.

از ادیسون پرسیدند چرا اغلب جوانان موفق نمی شوند؟ گفت: «برای اینکه راه خود را نمی شناسند، و در جای دیگری گام برمی دارند. چنین افرادی دو نوع ضرر به جامعه می زنند: «کاری را که شایستگی آن را دارند و اگر آن را تعقیب کنند، کامیاب می شوند، انجام نمی دهند؛ کاری را که بر عهده گرفته اند نیز به خوبی انجام نمی دهند و از عهده آن بر نمی آیند.»^(۱)

به تعبیر استاد شهریار:

چه کنم شاعر آفریدستم
کار دیگر نیاید از دستم
جان من! پیروی کن از کاری
که هوایی از او به سر داری

۱. رمز پیروزی مردان بزرگ، آیه الله جعفر سبحانی، قم، نسل جوان، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷، ص ۱۲.

اگر از صد فزون، فتوت هست
در یکی ذوق فن فزونت هست
گر همان یک فن اختیار کنی
همه در کار، ابتکار کنی
هر که با ذوق فن، مُجد گردد
در فن خویش مجتهد گردد
با چنان ذوق دکتری، پاستور
حق هم این بود کو بود دکتر
یا که میر سخنوران ولتر
چيست غير از سخنور و شاعر
ورنه پاستور اگر کمانچه زدی
یا ادیسون اگر طبیب شدی
این همه راز دهر بود نهان
وز نوابغ، عقیم بسود جهان^(۲)
شهید مطهری در کتاب داستان
راستان در این باره حکایتی این چنین
نقل می کند:

معلمین «شارل دولینه»^(۳) در مدرسه
با کمال یأس و نومیدی، همه با هم
اتفاق کردند که به پدرش که یک نفر
کشیش بود پیشنهاد و نصیحت کنند که
بی سبب، انتظار پیشرفت فرزندش را در

۲. دیوان شهریار، تهران، زرین: مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۶۶ و ۶۶۷.
۳. از دانشمندان بزرگ معاصر سوئدی.

او گریه و فریاد می‌کند، گلی به دستش دهد تا آرام گیرد.

در خلال اوقاتی که در دانشگاه طب تحصیل می‌کرد، نوشته یک گیاه‌شناس فرانسوی به دستش افتاد، و علاقه‌مند شد در اسرار گیاهها تعمق کند. در آن اوقات یکی از مسائل روز که مورد توجه دانشمندان گیاه‌شناس بود، طرز طبقه‌بندی صحیح گیاهها و نباتات بود. لینه موفق شد یک نوع طبقه‌بندی خاص بر مبنای تذکیر و تأنیث گیاهان ابتکار کند که بسیار مورد توجه قرار گرفت. کتابی که وی در این باره منتشر ساخت باعث شد در همان دانشگاهی که در آنجا تحصیل می‌کرد، در رشته‌ای که مورد علاقه و استعداد او بود، مقامی دست و پا شود. وی پس از مدتی، آماده یک سفر طولانی برای تحقیق و مطالعه در طبیعت شد. از اسباب سفر، یک جامه‌دان، مختصری لباس، یک ذره‌بین و مقداری کاغذ برداشت، و تنها و پیاده به راه افتاد.

وی هفت هزار کیلومتر راه را با مواجهه مشکلات عجیب و شنیدنی طی

کار تحصیل و درس خواندن نداشته باشد؛ زیرا هیچ‌گونه فهم و استعدادی در او مشاهده نمی‌شود. بهتر است یک کاردستی مناسب با ذوق فرزندش برای وی پیدا کند و به دنبال آن کار بفرستد؛ ولی پدر و مادر «لینه» روی علاقه فراوان به فرزند، با همه نومییدی و تأثر، وی را برای آموزش علم طب به دانشگاه روانه کردند؛ اما چون بضاعتی نداشتند، فقط مبلغ اندکی برای خرج دوران تحصیل او پرداختند، و اگر ترحم و کمک یک مرد نیکوکار - که در باغ دانشگاه، با «لینه» آشنا شده بود - نبود، فقر و تنگدستی او را از پا درمی‌آورد.

«لینه» برخلاف میل پدر و مادر به رشته‌ای که او را به دنبال آن فرستاده بودند، علاقه‌ای نداشت. او ذوق گیاه‌شناسی داشت و به این رشته علاقه‌مند بود. وی از کودکی گیاهها را دوست می‌داشت، و این خصلت را از پدرش به ارث برده بود. باغ پدرش از نباتات زیبا پوشیده بود، و از همان وقت که لینه، دوران کودکی را طی می‌کرد، مادرش عادت کرده بود که هر وقت

کارها برایشان اُفت دارد؛ درآمد بعضی کارها اندک است؛ و سرانجام اینکه برخی شغلها زحمت فراوان و درآمد اندک دارد، و سودش به دردسرش نمی‌ارزد. آنها از این نکته غافل‌اند که بسیاری از کسانی که رشد چشمگیری کرده‌اند، کارشان را یا از صفر شروع کردند و یا با درآمدی اندک و ناچیز؛ و بدین‌گونه انجام کارهای به ظاهر خُرد و ناچیز را بر آرزوها و خیالبافیهای پوچ درآمدهای میلیاردری ترجیح دادند.

«بزرگان جهان برای تأمین زندگی، از تصدی کارهای کوچک، پروایی نداشتند. بسیاری از شاگردان امام صادق علیه السلام، روغن فروش، کفش‌دوز، شتردار و ... بودند. افلاطون هنگام سیاحت در مصر، مخارج سفر خود را از روغن‌فروشی درمی‌آورد. لینه گیاه‌شناس معروف، کفش‌دوز بود.»^(۱)

ناصر خسرو می‌گوید:

چو مرد باشد پر کار و بخت باشد یار
ز خاک تیره نماید به خلق زَرّ عیار
فلک به چشم بزرگی کند نگاه در آنک
بهبانه هیچ نیارد ز بهر خُردی کار

کرد، و با غنیمت بزرگی از معلومات و مطالعات بازگشت. لینه باز هم مسافرتهاى خود را ادامه داد، و حتى توانست کتاب خود را به نام «دستگاه طبیعت» هنگام مسافرت به چاپ برساند که این کتاب برای او شهرتی به وجود آورد. لینه توانست کشور فرانسه را نیز بازدید کرده، در جنگلهای «مودون» به جمع‌آوری انواع گیاهان آنجا مشغول شود. وی سرانجام به کشورش، سوئد بازگشت. وطن، قدرش را دانست و افتخاراتی که لازمه نبوغ و پشتکار و اراده او بود به وی عطا کرد.^(۱)

ننگ نداشتن از کار

بعضی که از اندک سوادى برخوردار شدند و احیاناً مدرکی نیز گرفته‌اند، هرگز حاضر نیستند بسیاری از کارها را انجام دهند، به این تصور که هر شغلی در شأن آنها نیست و آنان باید به دنبال کارهای خاص و ویژه‌ای باشند. آنها بدین‌گونه شغلها را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند: برخی شغلها در نظرشان خُرد و ناچیز است؛ برخی

۱. داستان راستان، شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۲. رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۲۴.

سنگ از ستیغ کوهها بر دوش بردن،
 مرا خوش تر که منت کسان برم. مردم به
 من می گویند: کسب روزی ننگ است!
 ننگ در خواری خواهش است.^(۳)

آورده‌اند که شیخ الرئيس ابو علی
 سینا با کوبه وزارت می گذشت،
 کئاسی^(۳) را دید که بدان شغل مشغول
 است و همراه با آن، این شعر را
 می خواند:

گرامی داشتم ای نفس از آنت
 که آسان بگذرد بر دل جهانت
 ابو علی چون این شعر را از آن مرد
 کئاس شنید تبسمی کرد و به او گفت:
 «حقاً که خوب، نفس خود را گرامی
 داشته‌ای که به چنین شغل پستی رو
 آوردی!» مرد کئاس گفت: «نان از شغل
 خویش و کار پست خود می خورم و از
 دسترنج چنین کسبی ارتزاق می کنم تا
 بار منت شیخ الرئيس نکشم.» بو علی
 چون این سخن را شنید، شرمنده شد و
 با شتاب از آن شخص دور شد.^(۴)

ادامه دارد...

بزرگ باش و مشو تنگدل ز خُردی کار
 که سال تا سال آرد گلی زمانه ز خار
 حضرت علی علیه السلام در این باره
 می فرماید:

كُذِّ كُذَّ الْعَبِيدِ اِنْ
 اَحْبَبْتَ اَنْ تُضْبِحَ حُرّاً
 وَاَقْطَعَ اَلْاَمَالَ مِنْ
 مَالِ بَنِي اَدَمَ طُوراً
 لَا تَقُلْ ذَا مَكْسَبٍ
 يُزْرِي فَقَضُ النَّاسِ اُزْرِي
 اَنْتَ مَا اسْتَفْنَيْتَ عَنْ
 غَيْرِكَ اَعْلَى النَّاسِ مَدراً
 اگر می خواهی که آزاد زندگی
 کنی، چون بردگان بکوش. از مال همه
 آدمیان امید بئر. مگوی که این کار، ننگ
 است، که سوی مردم رفتن [و دست
 دراز کردن] ننگین تر است. تو تا وقتی
 که بی نیاز از دیگرانی، بلند قدرترین
 انسانهایی.^(۱)

همچنین آن حضرت می فرماید:

لَنَقُلُ الصَّخْرَ مِنْ قُلَلِ الْجِبَالِ
 اَحَبُّ اِلَيَّ مِنْ مَنَنِ الرَّجَالِ
 يَقُولُ النَّاسُ لِي فِي الكَسْبِ عَارٌ
 فَاِنَّ الْعَارَ فِي ذَلِّ السُّؤَالِ

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. کسی که کارش تخلیه فاضلابهاست.

۴. نام دانشوران، ناصری، قم، دارالفکر، بی تا، ج

دوم، ج ۱، ص ۱۱۳.

۱. دیوان امام علی علیه السلام، تصحیح، ترجمه و
 تعلیقات: دکتر ابو القاسم امامی، تهران، اسوه،
 چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۷۷.